

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۸ مه ۲۰۱۹

اروپا در راه اجرای تعهداتش به ایران سنگ می‌اندازد

یکی از خواسته‌های اروپائی‌ها از ایران این است که از "حمایت مالی تروریسم" دست بردارد. منظور دول اروپائی این نیست که گویا ایران با اسرائیل و یا عربستان سعودی و آمریکا همکاری نزدیک دارد و تروریسم بین‌المللی را تقویت می‌کند، منظور آنها این است که ایران نباید از منافع ملی خود در لبنان؛ فلسطین؛ سوریه؛ یمن و... دفاع کند. برای امپریالیسم و صهیونیسم منافع اقتصادی-سیاسی مطرح است و نه مبارزه با تروریسم. تروریسم از منظر آنها جریانی است که منافع آنها را به خطر می‌اندازد. امپریالیسم و صهیونیسم بنا بر آن داشتند که به ایران تجاوز نظامی کنند و این سیاست را باید در سال ۲۰۱۲ اجراء می‌کردند. وجود سوریه؛ فلسطین و لبنان که به عنوان عوامل بازدارنده برای حمله به ایران محسوب می‌شدند، مانع از آن بود که با خیال راحت به ایران حمله‌ور شوند. این بود که تصمیم به نابودی آنها گرفتند. در مورد فلسطین تا حدودی و در مورد سوریه موفقیت داشته‌اند ولی در مورد لبنان نتوانستند به آرزوهای خود برسند. آنها در میان اپوزیسیون ایران شعار اسرائیلی "نه غزه؛ نه لبنان؛ جانم فدای ایران" را آوردند که به مفهوم "نه غزه؛ نه سوریه؛ نه لبنان؛ حالا نوبت ایران" بود. این سیاست تا کنون علیرغم حمایت دول مرتجع عربی در منطقه و ترکیه و ... ادامه در صفحه ۲

تهدید آشکار دادگاه جهانی کیفری لاهه، توسط امپریالیسم

به‌گوش خوش‌آیند است که جنایتکاران باید محاکمه شوند، به‌گوش خوش‌آیند می‌است که عدالت گسترده باید در سراسر جهان برقرار شود. شما کسی را پیدا نخواهید کرد که آشکارا مدافع ستمگران باشد، حتی خود ستمگران نیز صلاح در این می‌دانند علیه ستمگری سخنان غرا گفته و مقالات طویل بنویسند. همه ستمگران از تساوی حقوق انسانها صحبت می‌کنند و به این اصل صوری و بی‌بو و خاصیت اعتقاد واثق دارند زیرا به گفته آنتول فرانس فقیر و غنی هر دو از این حق یکسان برخوردارند که شب‌ها با شکم گرسنه در زیر پل بخوابند. "هیچکس" آشکارا مخالف احترام به حقوق بشر نیست، "هیچکس" به صراحت از شکنجه دادن انسانها و سوزاندن آنها حمایت نمی‌کند، ولی جهان ما به جهانی تبدیل شده که حقوق بشر در آن مستمرا نقض می‌شود، شکنجه در همه جا با تعاریف و محدودیتهای متفاوت برقرار است و عدالت آنقدر بی‌بینه است که قادر نیست به‌خود تکانی دهد، چه برسد به اینکه گسترش دامنه‌دار یابد. در تمام عرصه‌های بالا امپریالیستها و دموکراسی‌های بورژوائی بیش از سایر کشورها عوامفریبی می‌کنند. برای دونالد ترامپ تحریم اقتصادی ایران و یا ونزوئلا و کوبا جنایت علیه بشریت نیست، برای نتانیاهو محاصره و قتل عام مردم نوار غزه و تاراندن و کشتار میلیونها فلسطینی، جنایت علیه بشریت نیست، برای جرج بوش کشتار نیم میلیون کودک عراقی در اثر تحریم و بی‌دوایی و بی‌غذایی جنایت علیه بشر نبود. گوانتانامو و ابوغریب دو نوع بازداشتگاهی هستند که انسانها را بدون دارا بودن کوچکترین حقوقی مانند بردگان در آنها به اسارت گرفته و شکنجه داده‌اند. امپریالیسم آمریکا زندانیان سیاسی را در رومانی؛ لهستان و بالتیک شکنجه داده و گوانتانامو را در بخش اشغالی خاک کوبا برپا کرده است تا از نظر "حقوقی" همه چیز بی‌خطر باشد و دونالد ترامپ بتواند سوگند یاد کند که در خاک آمریکا کسی را شکنجه ندهاند. جنایات ضد بشری امپریالیسم آمریکا را در کشور کره؛ ویتنام؛ کامبوج؛ لائوس؛ اندونزی؛ عراق؛ افغانستان؛ لیبی؛ ایران؛ ونزوئلا و سراسر آمریکای لاتین و آفریقا را از یاد نبریم. آنها در حالی که نوک زبانی، حقوق بشر را بر لب دارند با خنجرهای خویش زبان هر معترضی را می‌پرند. وقتی ویتنامی‌های قربانی بمبهای شیمیایی آمریکا از جمله ناپالم؛ فسفر و گازهای سمی در ویتنام، که بر اساس همه موازین بین-المللی استعمال آنها جنایت علیه ... ادامه در صفحه ۳

تجارب تحریم و خرابکاری در ونزوئلا، درس‌هایی برای ایران

ونزوئلا درسهای فراوانی به ما می‌دهد، ولی چشمان بینا می‌خواهد تا از این تجربه تاریخ آموزش بگیرد. ونزوئلا که تا قبل از روی کار آمدن هوگو چاوز، کشوری زیر سلطه آمریکا بود، با پیروزی چاوز و حمایتش؛ به کشوری مستقل از نظر سیاسی در آمریکای جنوبی بدل شد. ونزوئلا تنها کشوری در تاریخ آمریکای جنوبی است که در آن بیش از ۱۲ بار انتخابات آزاد و دموکراتیک صورت گرفته و هر بار مردم دست رد به سینه دشمنان مردم ونزوئلا و نوکران آمریکا زده‌اند، ولی این بیان نمایان دموکراسی در ونزوئلا؛ مورد تائید هیچکدام از "دموکراسیهای" غربی نیست، زیرا نتایج این دموکراسی مردمی به نفع آنان نمی‌باشد. این حقیقت نشان می‌دهد که دموکراسی فقط جنبه طبقاتی دارد و ما دموکراسی بدون قید و شرط نداریم. دموکراسی همیشه مشروط به دفاع از طبقه معینی است. این حکم ماتریالیسم دیالکتیک است که اضداد همواره دو طرف داشته و لازم و ملزوم یکدیگرند و وحدت ضدین دارند- خوب و بد؛ زشت و زیبا؛ سرد و گرم؛ استبداد و دموکراسی؛ آزادی و اسارت؛ امپریالیسم و جنبشهای ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه؛ جنگ و صلح و کارگرو سرمایدار...- وقتی پدیده امپریالیسم در جهان حضور دارد در مقابل آن ضدش نیز به میدان می‌آید و آن مقاومت خلقها؛ دولتها و ملتها در مقابل تجاوز و دخالتهای امپریالیستی است. امپریالیسم قادر نیست همه کشورها و ملتها را به نوکران خود بدل کند. در مقابل تهاجم امپریالیسم برای به زیر سلطه کشیدن انسانها و دولتها؛ در ممالک جهان برای حفظ استقلال و آزادی مقاومت بوجود می‌آید، این قانون مبارزه دیالکتیکی اجتماعی و امری کاملاً علمی است. مبارزه برای استقلال ملی در سراسر جهان در مقابل تهاجم وحشیانه امپریالیسم به یک جریان مهم جهانی بدل شده است که امپریالیستها را مجبور کرده در مبارزه با استقلال کشورها، به دخالتهای گستاخانه متوسل شوند و تمام موازینی را که تا دیروز برای عوامفریبی موعظه می‌کردند به دور افکنند. تروتسکیستها هرگز به استقلال ملی کشورها و مبارزه آنها برای کسب استقلال اعتقادی ندارند و همیشه در امر کسب استقلال ملی خرابکاری کرده‌اند و به همین جهت هم در بزنگاههای تاریخ همدست امپریالیسم و صهیونیسم می‌شوند. الزامات حکومتی که برای استقلال سیاسی خویش مبارزه می‌کنند "دموکرات" نبوده و فاقد فساد و رشومخواری و... نیستند. شواهد روشن و غیرقابل انکار صدام حسین و معمر قذافی در مقابل ماست. امپریالیستها نمی‌توانند تلاشهای این کشورها ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

اروپا در راه اجرای...

اپوزیسیون خودفروخته ایران با شکست مواجهه شده است. آمریکا نتوانست موافقت اروپا؛ چین و روسیه را نیز تامین کند. از آن تاریخ تمام این دول در پی آن هستند که قدرت ایران را تضعیف کنند و با تضعیف ایران به مقاصد خود در منطقه نایل آیند. برهم زدن "برجام" که انعقاد آن در درجه نخست به سود آمریکا بود تا ایران؛ دستان آمریکا و اسرائیل را بازتر کرد تا به ایران فشار آورند و کمربند تحریمها را صفت‌تر کنند.

آنچه را که آنها نتوانسته بودند در متن "برجام" وارد کنند، ولی در تفسیر آن از همان زمان اوپاما تبلیغ کردند، خروج ایران از سوریه و یمن و عدم دخالت در منطقه بود. این تبلیغات زمانی صورت می‌گرفت که قطر؛ عربستان سعودی و ترکیه با حمایت آمریکا؛ اروپا و اتحادیه عرب در امور داخلی سوریه برای سرنگونی دولت قانونی و مشروع بشار اسد مداخله می‌کردند و داعش را پرورش دادند و کردهای ناسیونال شونیست را برای تفرقه در منطقه تقویت کردند. این تبلیغات زمانی دامن زده می‌شد که ایران یک سرباز هم در یمن نداشت و اساساً قادر نیست به داخل یمن به علت وضعیت جغرافیایی و کنترل ماهواره‌ای آمریکا نفوذ کند. این تبلیغات در زمانی صورت می‌گرفت و می‌گیرد که آمریکا از آن سر دنیا به منطقه آمده و در امور داخلی منطقه دخالت نموده و به ایران که در منطقه زندگی می‌کند و حق مشروع هست تا از حقوقش در منطقه دفاع کند بربرمنشانه پرخاش می‌کند. طبیعتاً نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در بسیاری از کشورهای منطقه و حتی دورتر وجود دارد ولی تأثیرات افکار مترقی و یا ارتجاعی به کشورها را نمی‌شود "دخالت" محسوب کرد که در این صورت حساب کمونیست‌ها که افکار مارکسیسم لنینیسم را به داخل کشورها برده‌اند از همه "بدتر" است. امپریالیست‌ها از همان دوران انقلاب کبیر اکثیر کمونیست‌ها را عوامل کمینترن معرفی کرده و به دخالت در امور داخلی کشورها متهم می‌نمودند. ایرادگیری امپریالیست‌ها نسبت به ایران زمانی مطرح بود و هست که عربستان سعودی کشور بحرین را اشغال کرده و مردم آنجا را که بسیاری هنوز خود را ایرانی می‌دانند و سابقاً استان چهاردهم ایران بود، بشدت سرکوب نموده است تا از نفوذ ایران جلوگیری کند. امپریالیسم و صهیونیسم سنگ را بسته و سگ را رها کرده‌اند. آمریکا در همان تفسیر "برجام" از زبان اوپاما خواست که ایران به فعالیت‌های موشکی خود پایان دهد و این امر را نیز یکی از شروط همکاری با ایران محسوب کرد. اوپاما همان خوابی را که جرج بوش پسر برای صدام حسین دیده بود برای ایران می‌دید. در این وضعیت تغییری حاصل نشده است. از نظر آمریکا ایران باید سیاست خارجی خویش را با سیاست‌های آمریکا در منطقه هماهنگ کند. ایران باید نوکری صهیونیسم را بپذیرد و اسرائیل را به رسمیت شناخته حقوق ملت فلسطین را نادیده بگیرد. این ایرانی خواهد بود که ترامپ و نتانیاهو نیز آنرا قبول دارند. حتی اگر چنین ایرانی منطقه را با تروریسم به خاک خون

بکشد، مانعی برای آن وجود نداشته و ایران به "تروریست خوب" بدل می‌شود.

در زمانی که اختلافات قطر و عربستان سعودی بر ملا شد هرکدام دیگری را به حمایت مالی از تروریسم در سوریه متهم می‌کردند این در حالی بود که همه آنها دست در دست هم داعش را پرورش دادند.

با این مقدمه متوجه خواهید شد که خواست جدید اروپا و آمریکا از ایران تا به پولشویی و حمایت از تروریسم خاتمه دهد و منوط کردن اجرای تعهدات "ساز و کار مالی" اروپا نسبت به تحریم‌های ایران؛ از کجا آب می‌خورد. از ایران خواسته می‌شود که از حمایت از تروریسم دست بکشد. روشن است که حمایت از سوریه؛ فلسطین؛ لبنان؛ بحرین؛ یمن حمایت از تروریسم نیست، مبارزه با تروریسم است. امپریالیسم و صهیونیسم بزرگترین تروریست‌های جهان هستند. مبارزه با تروریسم یعنی مبارزه با تمام کسانی که داعش را علم کردند، پرورش داده، آموزش دادند، هشت سال پول و اسلحه در اختیارشان گذاردند و آنها را به سوریه؛ لیبی؛ افغانستان و... گسیل داشته‌اند. در هیچ کجا تعریف تروریسم مشخص نشده است. مفهوم تروریسم را امپریالیسم و صهیونیسم خود تفسیر می‌کنند که برای کسی قابل قبول نیست. از نظر آنها مبارزه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغال شده برای آزادی فلسطین تروریسم است، ولی توسعه آبادی‌نشین‌های صهیونیست‌ها و اشغال مناطق فلسطینی توسط اسرائیل مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود. به چنین تعاریفی نمی‌شود رای داد و با آن موافقت کرد. حزب ما با تروریسم مخالف است و آن را همدست امپریالیسم و صهیونیسم می‌داند و به این مفهوم با آنها مبارزه می‌کند.

گروه ویژه اقدام مالی "اف ای تی اف" (FATF: FINANCIAL ACTION TASK FORCE) از ایران تا ماه ژوئن ۲۰۱۹ خواسته است که در عرض چهار ماه دیگر اصلاحات مورد نیاز برای همسویی با استانداردهای جهانی در زمینه مبارزه با پول شویی و حمایت مالی از تروریسم را انجام دهد. در غیر این صورت تحریم‌ها به قوت خود باقی خواهد ماند.

در بیانیه‌ای که گروه ویژه اقدام منتشر کرده است آورده:

"ایران تا تکمیل برنامه اقدام، در بیانیه عمومی FATF باقی خواهد ماند. تا زمانی که ایران اقدامات لازم برای رسیدگی به نواقص مشخص شده در ارتباط با تامین مالی مبارزه با تروریسم در برنامه اقدام را اجرا نکند، همچنان نگرانی FATF نسبت به ریسک تامین مالی تروریستی ناشی از ایران و تهدیدی که این کار برای سیستم مالی بین الملل ایجاد خواهد کرد، ادامه خواهد داشت."

سازمان «اف ای تی اف»، ایران را به صورت موقت از حضور در فهرست سیاه خود معلق کرده است. این سازمان چندین بار به ایران فرصت داده تا اقدامات مد نظر این گروه در کشور اجرایی شود.

در مورد این قرارداد در مجلس شورای اسلامی بحث شد و به نتیجه نرسید. پس از بن بست حاصل شده میان مجلس و شورای نگهبان؛ این لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است. اما در آن مجمع هم هنوز به نتیجه نرسیده است و چندین بار رسیدگی این موضوع به تعویق افتاده است.

محسن رضائی دبیر تشخیص مصلحت نظام ادامه بحث در این زمینه را به سال آینده موکول کرده است.

دول امپریالیستی از ایران می‌خواهند چشم‌پسته سندی را امضاء کند که بر اساس آن آنها بتوانند گریبان ایران را از نظر تبلیغاتی و بهانه‌جویی برای ادامه تحریم‌ها بگیرند. روشن است که اگر ایران صدها نظیر این اسناد غیرقانونی و ضد منافع ملی ایران را امضاء کند، باز یک سند صد ویکمی وجود دارد که آنرا هم باید امضاء کند. این قصه سر دراز دارد و به پایان نمی‌رسد.

نشریه آلمانی "زود دوپچه تسایونگ" در ماه مارس ۲۰۱۹ از روی ماجرای این سند پرده برداشت و معلوم شده که از ۲۸ کشور تدوین کننده این سند ۲۷ کشور مخالف آن هستند. و بعد از پیوستن بلژیک با تاخیر به جمع آنها؛ همه ممالک اروپایی با آن مخالفند. نام یکی از کشورهای را که در فهرست سیاه قرار داده‌اند که هم پولشویی می‌کند و هم مدافع تروریسم و جنایت ضد بشری در منطقه است، عربستان سعودی است.

که می‌خواهند آنرا به زور به ایران تحمیل کنند، آمده است:

"آنها نمی‌توانند فهرستی را بپذیرند "که از طریق شفاف و قابل پیگیری به وجود نیامده است." از این گذشته نخست باید با کشورهایی که نامشان در این فهرست قرار می‌گیرد به مذاکره نشست و نظریات آنها را جویا شد، در غیر این صورت این سند فاقد ارزش حقوقی است.

منابع مسئولی که موافق این فهرست هستند و تعداد کشورهای نامبرده در آن را ۲۳ کشور اعلام کرده‌اند، مدعی‌اند: قبلاً نظریات آنها به اطلاع این کشورها رسیده و آنها امکان داشته‌اند که اظهار نظر کنند.

خبرگزاری یورونیوز تحت عنوان "چانه زنی عربستان برای جلوگیری از تصویب فهرست سیاه پول‌شویی اتحادیه اروپا" مورخ ۲۰۱۹/۰۳/۰۱ چنین آورده است:

"منابع آگاه در اتحادیه اروپا از احتمال عدم تصویب فهرست سیاه پول‌شویی که شامل عربستان سعودی نیز می‌شد، خبر دادند.

به نظر می‌رسد اقدامات برخی از دیپلمات‌های کشورهای اتحادیه اروپا برای جلوگیری از تصویب چنین فهرستی به دنبال چانه‌زنی مقام‌های سعودی در اولین نشست سران دو اتحادیه عرب و اروپا در شرم‌الشیخ و نامه ملک سلمان، پادشاه عربستان به سران تمام کشورهای اتحادیه اروپا، صورت می‌گیرد.

فهرست سیاه پول‌شویی اتحادیه اروپا علاوه بر عربستان سعودی شامل چهار قلمروی غیرمقیمه ایالات... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بدست مردم ایران

اروپا در راه اجرای...
متحد آمریکا از جمله پورتوریکو است. هیچ‌کدام از این کشورها در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی قرار ندارند.
انتشار فهرست سیاه پول‌شویی توسط اتحادیه اروپا به منظور شفاف‌سازی ساز و کارهای مالی و تبیین دستورالعمل برای بانک‌های اروپایی است.
در همین زمینه ملک سلمان، پادشاه عربستان با ارسال نامه‌ای به رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا از آنها خواسته است تا عربستان را از این فهرست خارج کند.
به گزارش خبرگزاری رویترز در این نامه آمده است:

«قرار دادن عربستان سعودی در چنین فهرستی از سویی به شهرت این کشور لطمه می‌زند و از سوی دیگر مشکلاتی برای تجارت و گردش سرمایه بین این عربستان و اتحادیه اروپا ایجاد خواهد کرد.»

عربستان سعودی یکی از بزرگترین واردکنندگان سلاح و مهمات تولیدی اتحادیه اروپا است.
به گزارش خبرگزاری رویترز یک مقام دیپلماتیک از واشنگتن نیز کشورهای اتحادیه اروپا را به منظور تغییر در این فهرست تحت فشار قرار داده است. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که کمیسیون اروپا برای تبیین این فهرست از شیوه‌ای ناقص استفاده کرده است و به همین جهت قرار گرفتن قلمروهای ایالات متحده آمریکا در این فهرست را رد می‌کند.

یک مقام آگاه از برگزاری جلسه‌ای توسط کارشناسان در روز جمعه ۱ مارس (ده اسفند) در بروکسل به منظور اعلام مواضع کشورهای اتحادیه درباره تصویب و انتشار فهرست سیاه پول‌شویی خبر داد و گفت که به نظر می‌رسد «اکثریت قاطع» مخالف انتشار این فهرست باشند.
از سوی دیگر، به نقل از روزنامه فایننشیل تایمز که مدعی است به نسخه‌ای از بیانیه کمیسیون اروپا در همین رابطه دسترسی داشته، کشورهای اتحادیه اروپا به علت «عدم شفافیت روند تبیین فهرست و در نتیجه غیرقابل اعتماد بودن آن» با انتشار فهرست سیاه پول‌شویی مخالفت می‌کنند.

به گزارش روزنامه فایننشیل تایمز در این بیانیه آمده است: «ما همگی خواهان تهیه فهرستی هستیم که از بالاترین ضوابط و استانداردها برخوردار باشد تا به این ترتیب بتوانیم مبارزه با پول‌شویی و تامین مالی تروریستی را بهبود بخشیم.
یکی از مقامات کمیسیون اروپا به خبرنگار فایننشیل تایمز گفت که با مسود شدن انتشار فهرست سیاه پول‌شویی، کمیسیون مجبور است بار دیگر با دولت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای تبیین روشی شفاف همکاری کند.

از سوی دیگر به نقل از فایننشیل تایمز، سفیر ایالات متحده در اتحادیه اروپا اقدامات کمیسیون در تبیین چنین فهرستی را «کاملاً سیاسی» خواند و گفت: «به نظرم کل روند تهیه فهرست سیاه پول‌شویی و نحوه برخورد کمیسیون اروپا نرفت

انگیز است. به نفع اتحادیه اروپا است که دعوی دیگری بر سر چنین مشکلاتی نه تنها با آمریکا بلکه با دیگر کشورهای دوست راه نیندازد.»

به گزارش خبرگزاری رویترز و به نقل از یک دیپلمات اروپایی، عربستان سعودی روز چهارشنبه ۲۷ فوریه (۸ اسفند) تمام سفیران کشورهای اتحادیه اروپا را برای دیداری با وزیر اقتصاد این کشور و گفتگو درباره این فهرست فراخواند. این دیپلمات افزود:

«ریاض تهدید کرده است اگر فهرست سیاه پول‌شویی تصویب شود، تمام قراردادهای تجاری با اتحادیه اروپا لغو خواهد شد.»

این اولین بار است که اتحادیه اروپا برای تبیین فهرست سیاه پول‌شویی ضوابط سخت‌گیرانه‌تری را نسبت به روش‌های گروه ویژه اقدام مالی به کار می‌گیرد. در نسخه اول این فهرست نام کشورهای چون نیجریه، پاناما، لیبی، باهاما، پاکستان، ایران، کره شمالی و افغانستان به چشم می‌خورد.

بر اساس ضوابط جدید اتحادیه اروپا کشورهای در این فهرست قرار می‌گیرند که «در استراتژی مبارزه با پول‌شویی و مقابله با تامین مالی تروریسم دارای نقص‌هایی جدی هستند و می‌توانند تهدید مهمی برای نظام مالی اتحادیه اروپا محسوب شوند.»

به این ترتیب روشن است که امپریالیست‌های اروپایی می‌خواهند ایران را به‌یاری عمال داخلی و سازشکار ایرانی خود به امضای قراردادی وادارند که سایر کشورها با آن مخالفت. به این ترتیب تنها نام یک کشور در جهان در این فهرست سیاه قرار خواهد گرفت که به ایران معروف است. تنها ایران است که باید این سند را امضاء کند و آینده تحریم‌ها را به سرنوشت این سند گره زند. امضاء مجدد سندی که نه تعریفش روشن است و نه تضمینی برای اجرای آن هست و نه تفسیرش به عهده ایران است، تنها یک خیانت ملی و خودفروشی به بیگانگان است.

تهدید آشکار دادگاه جهانی...

بشریت محسوب می‌شد در ایالت نیویورک به دادگاه مراجعه کردند تا خسارت دریافت کنند، وزیر وقت دادگستری آمریکا به قوه قضائیه رسماً ندا داد که از دادن رای به نفع ویتنامی‌ها خودداری کند، زیرا که این امر نه تنها عواقب عظیم مالی برای آمریکا دارد، بلکه اجرای سیاست‌های خارجی دولت آمریکا را نیز تضعیف می‌کند و علیه امنیت ملی آمریکاست. آنوقت دادگاه «بی‌طرف» نیویورک حکم داد که نمی‌توان ثابت کرد که سوختن آنها؛ جنگ‌ها؛ به‌دینا آمدن کودکان فلج و علیل ناشی از سلاح‌های شیمیایی آمریکائی بوده است.

پس روشن است که این سخنان خوش‌آیند تا زمانی که تضمین اجرائی نداشته باشند، حرف مفت هستند. تضمین اجرائی زمانی وجود دارد که اگر یک قاتل خاطی به مقاومت دست زد، نیروئی باشد

تا وی را سر جای خود بنشانند و حشش را کف دستش بگذارند... کسانی که خودشان تا ارنج دستان آغشته به‌خون است، نمی‌توانند قضاوت خوبی باشند و برای تحقق حقوق بشر؛ تساوی حقوق اجتماعی انسانها و عدالت گسترده اجتماعی و... مبارزه کرده و خود را نمایندگان تحقق این ارزشها جا بزنند. هر ساله هزاران نفر در دریای مدیترانه غرق می‌شوند، زیرا ممالک امپریالیستی که خود مسبب این فرارها و مهاجرتها در اثر غارت و چپاول این کشورها هستند، نمی‌خواهند عواقب سیاست‌های استعمار خویش را بپذیرند. آنها ولی در بلندگوهای خویش از "ارزشهای جهان غرب" و اینکه گویا آنها "مجمعی از باورمندان به این ارزشها" هستند سخن می‌گویند.

البته بسیار انسانی و مترقی است که دادگاهی در جهان به جنایات قلندرها و زورمندان و در دفاع از ضعفا اقدام کند. دادگاه کیفری جهانی لاهه را نیز به این بهانه بوجود آورده‌اند ولی کار این دادگاه رسیدگی به جنایات علیه بشریت نیست، بلکه یک ابزار استعماری امپریالیست‌های اروپایی است تا خدمت مخالفان خویش در سایر ممالک برسند. اینکه روسا و رهبران کشورهای مورد اتهام می‌توانند تبهکار باشند غیرممکن نیست، ولی تبهکاری آنها تا موقعیکه منافع امپریالیسم را تامین می‌کنند، قابل اغماض است، اما زمانیکه آنها به مقاومت در مقابل مصالح انحصارات و دخالت‌های امپریالیستی برمی‌خیزند، آنگاه بزرگترین جنایات تاریخ را انجام داده‌اند و باید آنها را محاکمه کرد. سلویدان میلوسوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی را به اسارت گرفتند، زیرا حاضر نبود به استقلال کشورش خیانت کند. امپریالیستها و در راسشان امپریالیسم آلمان وی را در یک دادگاه قلبی محکوم کرده و او را در زندان لاهه که تحت مراقبت دائم بود، کشتند و به زبان خودشان سکنه قلبی‌اش دادند.

مهم‌ترین وظیفه دیوان لاهه رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی در مواردی است که پیگیری این جرایم در سطح ملی انجام نگیرد.

آمریکا و اسرائیل از کشورهایی هستند که اساسنامه دیوان بین‌المللی را امضاء کرده بودند، اما بعداً آن را پس گرفتند. علت این اقدام نگرانی از محاکمه نظامیان این کشورها که در خارج از مرزهای خود در عملیات نظامی درگیر بوده و مرتکب جنایات شده‌اند، ارزیابی می‌شود. یعنی آنها به‌این امر واقفند که مرتکب جنایات جنگی می‌شوند.

این دادگاه به سران کشورهای آفریقائی هجوم آورده تا مخالفان خود را از سر راه بردارد، بطوریکه این اقدام دخالت‌گرانه و گزینشی و نژادپرستانه؛ اعتراض اتحادیه کشورهای آفریقائی را برانگیخت. آنها بدرستی اشاره می‌کردند که گویا این دادگاه قصد دارد تنها آفریقائیا را محاکمه کند. کشورهای آفریقای جنوبی، بروندی و گامبیا خواست خروج خود را از این دادگاه اعلام داشتند. روسیه نیز ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

تهدید آشکار دادگاه جهانی...

خواست خروج از این دادگاه را مطرح کرد. اتحادیهی آفریقا از کمیته خود در امور مربوط به دادگاه بین‌المللی جزایی خواست «راهبرد جامعی» جهت خروج از دادگاه بین‌المللی جزایی را تدوین کند. این کمیته در نشست ۱۱ آوریل خود سه شرط اتحادیهی آفریقا را برای پرهیز از درخواست خروج از دادگاه بین‌المللی جزایی مشخص کرد. یکی از این شروط مصونیت روسای کنونی کشورها و مسؤولان ارشد دیگر از پیگرد در دادگاه بین‌المللی جزایی است. فعالیت کمیتهی اتحادیهی آفریقا در امور دادگاه بین‌المللی کیفری آخرین تحول در واکنش منفی بعضی از رهبران آفریقا علیه این دادگاه است که به اقدامات ناعادلانهی این دادگاه در آفریقا اشاره می‌کنند. این واکنش منفی نخستین بار پس از صدور حکم جلب رئیس جمهور سودان عمر البشیر در سال ۲۰۰۹ به اتهام ارتکاب جنایات‌های جدی در دارفور اوج گرفت و در سال ۲۰۱۳ زمانی شدت یافت که متهمان دادگاه بین‌المللی جزایی یعنی "اوهورو کنیاتا" و "ویلیام روتو" به ترتیب به‌عنوان رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور کنیا انتخاب شدند. این دادگاه حکم جلب نتانیاهو را به علت جنایات علیه بشریت صادر نمی‌کند. تا کنون چندین بار این دادگاه "بی‌غرض" بر جنایات آمریکا و اسرائیل و اروپایی‌ها در آفریقا و از جمله در منطقه دارفو در سودان چشم پوشیده است. آش این سوء استفاده بقدری شور است که دادگاه استعماری لاهه مجبور شد اعلام کند: "تحقیقات جاری در باره‌ی جنایات‌های ارتکابی در گرجستان و پیشرفت‌هایی در تحقیقات ابتدایی از جمله در افغانستان، فلسطین، اوکراین و عراق/بریتانیا، سمت و سوی دادستانی دادگاه بین‌المللی جزایی را در تحقیقات آینده نشان می‌دهد. این گام‌ها مشخص می‌کنند که دادستانی از اعمال صلاحیت خود در مورد جنایات‌های بین‌المللی در حیطه‌ی صلاحیت خود عقب نخواهد نشست، حتی اگر این جنایات‌ها را افرادی مرتبط با قدرت‌های اصلی جهان، همچون ایالات متحد آمریکا، اسرائیل، روسیه یا بریتانیا، مرتکب شده باشند. ما به دفاع از دادستانی و دادگاه بین‌المللی جزایی به‌طور کلی در انجام این تحقیقات ادامه خواهیم داد." این سخنانی بود که گندتر از دهان مسئولان این دادگاه بود. کسی نمی‌تواند به این دروغ‌های دادگاه لاهه که برای سرکوب ضعفا و دفاع از منافع استعماری امپریالیسم اروپائی است اعتماد کند. شهروندان افغانی که فریب فریبکاریهای این دادگاه‌های جهانی امپریالیستی را خورده بودند، در باره شکایت خود از جنایت جنگی آمریکا نوشتند: "به‌عنوان مدافع حقوق بشر فعال در افغانستان، پیامی حیاتی برای شما به همراه آورده‌ام. پس از سال‌ها درگیری مسلحانه و رسیدگی طولانی‌مدتی در دادگاه بین‌المللی جزایی، اکنون آماده‌ی پاسخ‌گویی شده‌ایم. گاهی دادگاه به‌عنوان آخرین راه چاره ضروری است و این یکی از آن موارد است. ما از این خبر که تحقیقات تمام عیار دادگاه بین‌المللی جزایی در افق دید است، امید یافته‌ایم."

حال این نمایندگان باید از خواب غفلت بیدار شوند. تردیدی نباید داشت که تنها قدرت‌مندان و سنگدلانی که حاضر به همکاری با امپریالیست‌هایی نیستند از دادگاه بین‌المللی جزایی هراس دارند، وگرنه جنایتکاران امپریالیسم و همدستان تبهکار آنها کوچکترین باکی از تصمیمات این دادگاه‌های فلابی ندارند. این دادگاه‌ها فقط برای فریب افکار عمومی است. حال به وعده دادگاه به شاکیان افغانی مراجعه کنیم.

نشریه زود دوپچه تسابتونگ در شماره ۲۷/۲۸ آوریل ۲۰۱۹ تحت عنوان "شکایت‌هایی در باره دادگاه لاهه" نوشت که: "از سال‌ها پیش مقامات دادگاه جهانی کیفری در برابر تهدیدات گوناگون ایالات متحده آمریکا مقاومت می‌کردند. ابتداء در آغاز آوریل این تهدیدات شدت یافتند. حقوقدانان در لاهه که بررسی‌های مقدماتی مربوط به جنایات جنگی احتمالی آمریکا در افغانستان را پیش می‌بردند، با هشدار جان بولتون John Bolton مشاور ملی امنیت دونالد ترامپ، که آنها را مورد تحریم قرار می‌داد، روبرو شدند. قضات و دادستان‌های بین‌المللی اگر از فعالیتشان دست برندارند، باید با ممنوعیت سفر به آمریکا حساب کنند. حساب‌های شخصی آنها در بانک‌های آمریکائی مسدود می‌گردد و ما آنها را از طریق دادگاه‌های کیفری آمریکا تحت پیگرد قرار خواهیم داد." در اثر تهدید و فشار آمریکا دادگاه جهانی کیفری لاهه تسلیم شد و حال به استدلال مسخره قضات "شرافتمند و بی طرف" دادگاه لاهه توجه کنید. زوددوچچه تسابتونگ می‌نویسد: "حال در لاهه تصمیمی اتخاذ شده که مطابق میل بولتون است و بررسی‌های مربوط به افغانستان متوقف شده است. دلایل "اجرای عدالت" است. به این ترتیب سه قاضی اطاق بررسی‌های اولیه دادگاه کیفری جهانی در تاریخ ۱۲ آوریل تصمیم گرفتند که سوء ظن نسبت به جنایات جنگی در افغانستان را پیگیری نکنند."

افغانستان که عضو دادگاه کیفری جهانی است و به این دادگاه مراجعه کرده است تا به جنایات آمریکائی‌ها در افغانستان رسیدگی کند دست از پا درازتر باید به خانه خود برگردد. دادگاه قادر نیست حقوق اعضاء خود را تامین کند. این وضعیت مضحکی هست که پیش آمده است. اروپای امپریالیسم که خودش در همه این جنایات سهیم است و جنایات علیه بشریت در فلسطین توسط اسرائیل و یا سوریه توسط داعش و ناتو در افغانستان و... را پرده پوشی می‌کند، قادر نیست در مقابل زورگویی آمریکا عرض اندام کند، زیرا دستان خودش نیز به خون و چرک آلوده است. به همین جهت علیرغم افسارگسیختگی آمریکا، آنها با وی در بسیاری عرصه‌ها هم‌باند نظیر دخالت در ونزوئلا و به همین جهت این وقاحت و چموشی آمریکا را زیر سبیلی رد کرده و سرو صدای آنرا خوابانند تا افکار عمومی به این وضعیت قلدنرمنشانه و افشاءگرانه پی‌نبرد. از طریق هیچ دادگاهی نمی‌شود از امپریالیست‌ها خسارت گرفت. امپریالیسم تنها وقتی خسارت می‌دهد که خلق‌های جهان کمرش را بشکنند. این است

که مبارزه برضد امپریالیسم مبارزه‌ای برای تحقق حقوق بشر؛ مبارزه‌ای برای پایان جنگ؛ مبارزه‌ای برای خاتمه جنایات جنگی و کشتار بشریت است. امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا هرگز دوست و یار خلق‌های تحت ستم نیست. دادگاه‌های آنها نیز ابزارهای نوین استعماری‌اند. به‌هوش باشیم.

تجارب تحریم و خرابکاری...

را برای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی خویش تحمل کنند. امپریالیست‌ها کشورهای بدون مرز می‌خواهند تا با فراغ بال وارد آنها شوند. امپریالیست‌ها در این زمینه از بسیاری کمونیست‌های کاذب ایرانی "انترناسیونالیست‌ترند" و بر ضد میهنپرستی تبلیغ می‌کنند. امپریالیست‌ها فقط میهن امپریالیستی خود را دوست دارند آخرین نمونه‌های آن کشور مستقل سوریه؛ یمن و ونزوئلا است. استقلال معنایش آن نیست که این کشورها نباید با امپریالیست‌ها روابط سیاسی داشته و یا قراردادهای اقتصادی ببندند. کسانی که انتقاد به انعقاد قرار داد و یا روابط سیاسی را بهانه می‌کنند تا خود را انقلابی و "ضد امپریالیست" جلوه دهند، در عمل در خدمت منافع امپریالیست‌ها کار می‌کنند. آنها در لیبی همدستان تروریست‌ها شدند؛ در سوریه یار و یاور داعش و در ونزوئلا نیز راهی برای آنها نمی‌ماند تا به بهانه انقلابی نبودن نیکلاس مادورو Nicolas Maduro در کنار تجاوز امپریالیسم آمریکا به ونزوئلا قرار بگیرند. تجربه ونزوئلا نشان می‌دهد که چقدر اهمیت دارد که ملت‌ها از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود در دوران یورش همه جانبه امپریالیسم در پوسته سیاست‌های نئولیبرالی که برای گشودن مرزها به نفع امپریالیسم صورت می‌گیرد، به پشتیبانی برخیزند و نه اینکه ستون پنجم امپریالیسم شوند و به دنبال "جبهه موهومی" سوم بروند. تجربه ونزوئلا قاطعانه مشت حکمی به سینه انقلابی‌نماها زد که دچار سردرگمی هستند و ناچارند نیکلاس مادورو را آماج حملات خود قرار دهند و برای تحریم‌ها و دخالت‌های آشکار امپریالیسم مبنای توجیهی بیافرینند.

تجربه ونزوئلا اهمیت دفاع از حقوق ملل را نشان می‌دهد، که چقدر اهمیت دارد کمونیست‌ها در دوران تهاجم گسترده امپریالیسم برای کسب بازارهای بیشتر به حقوق ملت‌ها و استقلال کشورها تکیه کنند. تمام خلق‌های جهان بالقوه نیروهای هستند که مخالف تجاوز و تحریم‌اند و در کنار خلق‌های مورد آسیب قرار دارند. امپریالیسم آمریکا به صورت غیرقانونی اموال دولت قانونی ونزوئلا را مصادره کرده است و نشان داده که امنیت بانکی و حفظ مالکیت خصوصی مقدس برای امپریالیست‌ها سخنان پوچ و بی‌معناست. آنها اگر منافع انحصارات امپریالیستی ایجاب کند حتی حاضرند مالکیت همه ملت‌های جهان را نیز سلب کرده و هیچ امری جز منافع بیکران خویش مقدس نشمارند. امپریالیسم به محاصره غیرقانونی و ضد... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتاری حزب تغییر می‌کند

منطقه دفاع کنند، ولی در ایران جز انزجار مردم چیزی درو نخواهند کرد.

ناقضان تعهدات بین‌المللی...

می‌شناخت، وقتی گردنش کلفت شد به دخالت در امور داخلی یوگسلاوی دست زد و این کشور را تجزیه نمود و ناگفته نماند که رژیم ارتجاعی جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در این خرابکاری و کشتار و نقض حقوق ملت‌ها در کنار ترکیه و عربستان سعودی شرکت و دست داشت و با امپریالیسم در تجزیه یوگسلاوی همکاری کرد و یا همین روش را امروز آلمانها در مورد اکرانین به کار می‌برند. تجاوز ضد بشری فرانسه، بریتانیا و آمریکا به کور لیبی و قسما به عراق و یا افغانستان ضدبشری و ضد تعهدات بین‌المللی است. بیچاره کشوری که در سیاست نفهد حرف آخر را منافع سیاسی و راهبردی می‌زند و نه تعهدات بین‌المللی آنهم بدون کوچکترین تضمین اجرائی. همه چیز در دنیای سیاست با زور حل و فصل می‌شود. ارزش هر تعهدی وابسته به توازن زور طرفین است. دوران "قسم و آیه" به سر رسیده است. خیانت رهبران جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به منافع ملی میهن ما و امضاء قرارداد خائنه "برجام" کار آنها را چنان زار کرده است که با دادن انگشت به امپریالیسم حالا باید دست خود را بدهند. اروپائی‌ها متحد ایران نیستند دوستان آمریکا هستند و همه آنها با سخنان ترامپ که باید مانع پیشرفتهای برنامه‌های موشکی ایران گشته و سیاست خارجی ایران را که بر ضد منافع امپریالیسم غرب در منطقه است از اساس تغییر داد، موافقت آنها با لشکر داعش به جنگ ایران آمدند و در سوریه و عراق شکست خوردند و حال می‌خواهند با حمایت نامحدود و نقض همه تعهدات جهانی؛ از صهیونیسم اسرائیل دفاع کنند که سرپل امپریالیسم در منطقه است. اروپا با تمام این سیاستها موافق است و تعهدش فقط در این است که ایران را مهار کرده از پیشرفتهای ایران جلوگیری کرده و به عنوان همدست امپریالیسم آمریکا ایران را در یک جنگ فرسایشی مشغول و تضعیف کند. سخنان رئیس جمهور فرانسه که اعتبار قرارداد "برجام" را وابسته به انعقاد قراردادهای تکمیلی جدید با ایران می‌داند، با سخنان ترامپ فرقی ندارد. از این گذشته اگر در سخنان و بیانیتهای امپریالیستهای اروپائی دقت کنید طوری سخن می‌گویند که گویا این ایران است که دارد به نقض تعهدات بین‌المللی می‌پردازد و نه آمریکا. آنها مرتب به ایران هشدار می‌دهند که از خطر دوری گزیده و به قرارداد ۲۰۱۵ وفادار بماند تا اروپائی‌ها هم به قرارداد خود وفادار بمانند. این همه تزویر و بی‌شرمی نادر است. قراردادی که طرف برتر آن آمریکا نقض کرده، فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است. بازگشت ایران امروز به وضع سابق از نظر فنی و پیشرفت حتی در همان سطح سال ۲۰۱۵ نیز قرار ندارد و به سالها قبل از انعقاد قرارداد سقوط کرده و با دست... ادامه در صفحه ۶

آقای پروفیسور کریستف ودر Christoph Vedder کارشناس امور حقوق ملتها در آگسبورگ در آلمان به انتقاد از دخالت گسترده حکومت آلمان در امور داخلی ونزولا پرداخته و در روزنامه زودویچه تسایتونگ مورخ ۲۰۱۹/۰۲/۰۸ بیان کرده است: "تنها کسی که قدرت حکومتی را در کشور حداقل بطور گسترده اعمال می‌کند، می‌تواند به عنوان دولت به رسمیت شناخته شود". وی افزود: "اینکه حکومت چگونه پدید آمده مسئله داخلی هر کشور است که به سایر کشورها اساسا مربوط نیست". در ونزولا قدرت در دست مادورو است. ارتش؛ پلیس و سایر ارگانهای دولتی هنوز از حکومت بطور گسترده اطاعت می‌کنند. گوایدو Guaido کاری از دستن ساخته نیست جز حرف زدن. به این جهت آنطور که آقای ودر Vedder می‌گوید به رسمیت شناختن گوایدو به عنوان رئیس‌جمهور، ضد حقوق ملل بوده و دخالت در امور داخلی ونزولاست". در همین زمینه پروفیسور در امور حقوقی آقای کای امبوس Kai Ambos استاد دانشگاه حقوق گوتینگن در آلمان که کارشناس آمریکای لاتین است اظهار داشته است که دموکراسی منتخب فاقد هر ارزشی در عرصه حقوق ملل است. و همچنین این پرسش مربوط به به رسمیت شناختن بی‌اهمیت است که دولت در کشوری خوش‌آیند و یا ناخوش‌آیند است. "روشن است که مادورو مردی هراس‌انگیز است"، ولی این امر به کشورهای دیگر حق نمی‌دهد وی را سرنگون کنند".

به گزارش روزنامه زودویچه سایتونگ در همان شماره: "الکون سازمان کشورهای آمریکا قبل از هر چیز تصویب کرد که دولتی را که به نیروی کودتا به قدرت برسد به رسمیت نمی‌شناسد" و این نشریه اضافه می‌کند روشن است که: "این مورد مربوط به ریاست جمهوری مادورو نمی‌شود". این کارشناسان امور حقوقی بین‌الملل همچنین در مورد تحریم و محاصره ونزولا افزوده‌اند: "نمی‌شود همینطوری بدون مبنای حقوقی دارائی دولتی یک کشور خارجی را مصادره کرد به‌ویژه زمانیکه اقتصاد این کشور وابسته به آن است". این هر دو پروفیسور اعلام کردند: "چنانچه تحریمهایی اعمال می‌شوند تا به یک تغییر رژیم منجر شوند این اقدام ضد حقوق ملل و دخالت است".

تجربه ونزولا نشان می‌دهد که همه موافقان تحریم و دخالت در ونزولا و ایران نوکران دست به سینه آمریکا هستند. نوکران ایرانی حامیان تحریم و تغییر رژیم در عین حال نوکران صهیونیسم جهانی در ایران نیز هستند. برای یک ایرانی ننگی بالاتر از این نیست که موافق تحریم غیرقانونی؛ ضد بشری امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد هموطنانش باشد. حزب کمونیست کارگری اسرائیلی و سازمان فدائیان اقلیت حامیان سیاست ترامپ و نتانیاهو در ایران هستند و به این جهت مردم ایران از آنها نفرت دارند. آنها می‌توانند مانند بلندگویان امپریالیسم و صهیونیسم از سیاستهای آمریکا و اسرائیل و تروریسم آنها در

تجارب تحریم و خرابکاری....

منشور ملل متحد علیه خلق ونزولا پرداخته که جرات کرده استقلال خویش را به کف آورد. این محاصره غیرقانونی؛ این ضبط اموال و دارائی-های کشور ونزولا به آنجا منجر شده که دولت ونزولا قادر نیست، علیرغم قدرت مالی که دارد آذوقه و تغذیه عمومی را تامین کند. همه این امپریالیستهای "بشر دوست" در ایجاد قحطی در ونزولا همدست‌اند. سفیر دولت آلمان همراه با محافظان خویش و پاره‌ای از مقامات کشورهای همدستش به همدستی و حمایت از ورود غیر مجاز یک خاطی تحت تعقیب در فرودگاه کاراکاس که خود را با الهام از سازمان سیا "دولت قانونی" ونزولا می‌خواند، شتافته وی را در آغوش کشیده و به محل "امن" رسانده است. این اقدام گانگستریسم بین‌المللی نام دارد و دخالت بی‌شرمانه و حمایت آشکار از مشتئی تبهکار در ونزولاست. امپریالیسم آمریکا؛ کانادا؛ استرالیا و اتحادیه اروپا و در یک کلام غرب استعمارگر و امپریالیست از مردکی در ونزولا حمایت می‌کنند که منتخب مردم نیست و به وی وعده یاری مالی دو رقمی میلیونی داده‌اند که همه اعمالش بر اساس قوانین رسمی دولت ونزولا غیرقانونی است، ولی مزیت وی نوکری و حلقه بگوشی وی نسبت به آمریکاست. این مردک را آمریکا سالها در آمریکا تعلیم داده و برای چنین روزی به ونزولا فرستاده است تا بر ضد خلق ونزولا اقدام کند. وی فاقد پشتوانه مردمی است و تنها با زور تهدید آمریکا و تبلیغات سرسام آور حق ادامه حیات یافته است. وی مسلحانه یک خاطی در حصر خانگی را از مجازات قانونی رها کرده و مانند آمریبایان وی را به سفارت اسپانیا تحویل داده تا از وی حمایت کنند و این در حالی است که ژولیان آسانژ را از سفارت اکوادرو در لندن اخراج می‌کنند. این روشها همه جنایتکارانه؛ دخالت آشکار و بی‌شرمانه در امور داخلی یک کشور است.

آخرین پرده نمایش این مردک، کودتای نظامی بوده است که با شکست مفتضحانه روبرو گشته و نظامیان مزدور و پاره‌ای وارداتی مجبور به فرار شده‌اند. وزیر امور خارجه آمریکا- آری درست خوانده‌اید، وزیر امور خارجه آمریکا - به طور رسمی در پشت بلندگوها به دروغ اعلام کرد که نیکلاس مادورو Nicolas Maduro در هواپیمائی به کوبا فرار کرده است. بعد از شکست کودتا و بی‌آبرویی برای مقام رسمی وزارت خارجه آمریکا که با تکذیب دولت کوبا و دولت قانونی ونزولا روبرو شد، دوباره با بی‌شرمی پشت دوربین‌ها قرار گرفت و اعلام کرد که دولت روسیه در آخرین لحظه از پرواز هواپیمای نیکلاس مادورو Nicklaus Maduro به سمت کوبا ممانعت کرده و وی را در ونزولا نگهداشته است.

تجربه ونزولا برای چندصدمین بار نشان می‌دهد که به سخنان امپریالیسم آمریکا و به وعده‌های وی نباید هرگز اعتماد کرد. نهاد این امپریالیسم بر دروغ و جعلیات استوار است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

ناقضان تعهدات بین‌المللی...

خودش دست‌آوردهای مردم ایران را بر باد داده است. امروز دیگر قراردادی وجود ندارد که کسی از آن دفاع کند. خود اروپائی‌ها هم همدست آمریکا هستند و از فرود هواپیماهای ایران به فرودگاههای اروپا جلوگیری کرده، اموال بانکهای ایران در آلمان را مسدود نموده و تا می‌توانند به دنبال‌روی از آمریکا به بهانه تهدید و خسارت ناشی از عدم هماهنگی مشغولند تا چه برسد به اینکه قادر باشند بخش مربوط به تعهدات خود را اجراء کنند. تمام سخنان اروپائی‌ها دل‌داری؛ موش مرده بازی؛ عوام‌فریبی و همدستی با آمریکاست. رژیم جمهوری اسلامی با خیانتش در مسئله "برجام" خودش را گرفتار یک بن‌بست سیاسی کرده که خروج از آن به پرداخت بهای سنگینی برای مردم ایران منجر خواهد شد.

مطبوعات از این ماجرا چنین پرده برمی‌دارند. آلمان با بریتانیا و فرانسه و اتحادیه اروپا اخطار ایران مبنی بر خروج از قرارداد اتمی را رد کردند. آنها از ایران خواستند: "اکیدا به تعهدات‌اش همانگونه که تا به امروز بوده بدون محدودیت وفادار بماند و از برداشتن گامهای مُسَدِّدِ امتناع کند" (زوددوچه تسایونگ مورخ ۱۰ ماه مه ۲۰۱۹). "آنها خودشان را نسبت به قرارداد ۲۰۱۵ بدون هیچ محدودیتی وفادار می‌دانند". آنها افزودند که: "هرگونه اخطار ایران را رد کرده و ارزیابی از وفاداری ایران نسبت به تعهداتش را بر اساس روش ایران می‌سنجند". بی‌شرمی حدی ندارد تو گوئی که این ایران است که تعهداتش را نقض کرده و بر وفاداریش به این قرارداد نقطه ابهام گذارده است. آنها واقعیات را دگرگون جلوه می‌دهند زیرا از هم اکنون می‌خواهند زمینه شستشوی مغزی مردم اروپا را برای یک تجاوز "توجیه-گرانه" به ایران آماده سازند.

دونالد ترامپ بعد از اینکه فشارها و تهدیدهای خویش را نسبت به ایران افزایش داد و در بوق جنگ دمید، مدعی شده که همواره خواهان مذاکره با ایران بوده است و اکنون هم حاضر به مذاکره است. وی بیان کرد: "ما می‌توانیم معامله کنیم، یک معامله منصفانه. ما فقط می‌خواهیم ایران اتمی نشود". تو گوئی که این ترامپ نبوده است که به زیر تعهداتش زده است. معامله منصفانه ترامپ تمکین ایران از اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا در منطقه است. و تازه بعد از خفت پذیرش چنین معامله-ای هیچ تضمینی ندارد که امپریالیسم آمریکا دوباره زیرش نزند.

آقای مکرون رئیس جمهور فرانسه در آستانه نشست غیر رسمی سران اتحادیه اروپا در ماه مه ۲۰۱۹ در شهر "سیبویو" واقع در کشور رومانی ابراز داشت: "ایران باید در قرارداد باقی بماند و ما باید همکاری بکنیم تا این امر را تأمین کنیم". آقای مکرون بعد از این تهدیدش که هر کاری می‌کند تا ایران تسلیم شود و به عاریه گرفتن تهدیدات ترامپ در بیان

نظریاتش، افزود: "که معامله مورد توافق در سال ۲۰۱۵" قرارداد خوبی" است، البته باید با سایر قراردادهای تکمیل شود تا اینکه نقش بی‌ثبات کننده ایران در خاور نزدیک و همچنین برنامه‌های موشکی ایران مهار شود". این سخنان مکرون فرقی با سخنان تهدیدآمیز ترامپ ندارند.

اروپائی‌ها از نظر تبلیغاتی و عوام‌فریبی اعلام کردند تا زمانیکه ایران به تعهداتش وفادار بماند، آنها نیز بخش مربوط به تعهدات خویش را از طریق "کانال ویژه مالی" (اینستکس INSTEX) اجراء می‌کنند. این کانال ویژه مالی باید برای تجارت با ایران به دور زدن بانکهای مورد تهدید به علت تحریمهای ایران از جانب آمریکا بپردازد.

آنچه هنوز ناروشن است البته این است که چه تعداد از شرکتها اساساً این خطر را به‌جان می‌خرند و از این ابزار جدید استفاده می‌کنند، بدون اینکه غضب آمریکا را نسبت به خود جلب نمایند. دولت‌های اروپائی تعهدی نمی‌پذیرند تا شرکت‌های خودی را موظف به تجارت با ایران گردانند و به این جهت همیشه راه فرار را برای ناکامی این سیاست باز گذارده‌اند. ما شاهدیم دولت‌های اروپائی البته قادرند به این شرکتها برای عدم معامله با روسیه و یا ونزوئلا و... فشار وارد آورند که می‌آورند، ولی چگونه است که برای انجام تجارت با ایران این توانایی آنها به صفر می‌رسد؟! ریاکاری از سر تا پای این سیاست می‌بارد. از زمان برقراری تحریم مجدد و "حمایت" اروپا از ایران، شرکت‌های اروپائی نیز از معامله با ایران خودداری کرده‌اند: ایرباس، توتال، ام.اس.سی، دانلی، زیمنس، لویزر، انی، ان.جی، پژو، آستوم، رنو... .

پشتیبانی دول اروپائی اگر جدی و مزورانه نباشد کفایت تا این شرکت‌های خودی با ایران تجارت کنند. ولی اروپائی‌ها فقط در حرف به تعهداتشان وفادارند ولی نه در عمل. از این گذشته فروش نفت ایران شامل استفاده از این کانال ویژه نمی‌شود و مضحک است که وقتی آلمان از ایران نفت وارد نمی‌کند به ایران دل‌داری دهد که ما پول فروش نفت شما را به صندوقهای ویژه این گروه واریز خواهیم کرد تا از آن بهای داروهای مورد نیاز شما را بپردازد.

حزب ما نه تنها خیانت در مسئله "برجام" را محکوم کرد، بلکه بارها نیز هشدار داد که امپریالیست‌های اروپائی در پی سرداندن ایران هستند و ایران را به بازی گرفته‌اند. ایران در اثر خیانت رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی سالهای فراوانی برای پیشرفت و مدرن

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

PLI (Toufan)

سازی ایران را از دست داده است، آنهم به این امید واهی که رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد به هر قیمت تسلط جبارانه خویش را حفظ کند.

توسل به سیاست اقتصادی نوین...

محصولات دولتی را به شیوه کمونیستی در یک کشور خرده‌دهقانی عملی سازیم. جریان زندگی اشتهاب ما را نشان داد. یک سلسله مراحل انتقالی یعنی سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم لزوم یافت تا انتقال به کمونیسم را تدارک ببینیم و آنهم با فعالیتی که سنوات مدیدی به‌طول می‌انجامید تدارک ببینیم. باید به خود زحمت دهید که نه بر زمینه مستقیم شور و هیجان، بلکه به‌کمک شور و هیجانی که مولود انقلاب کبیر است، بر اساس ذینفع و ذیعلاقه کردن اشخاص و بر اساس اصل بازرگانی، نخست پلهای استواری را که در کشور خرده‌دهقانی بین سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم قرار می‌گیرد بسازید؛ در غیر این صورت به کمونیسم نزدیک نخواهید شد، در غیر این صورت ده‌ها و ده‌ها میلیون نفر را به کمونیسم نخواهید رساند." (منتخبات لنین به-فارسی جلد دوم قسمت دوم ص ۷۲۵).

"لنین بر این عقیده بود که تا اندازه‌ای آزادی داد و ستد موجب علاقمندی اقتصادی دهقان می‌گردد، قوه تولیدی وی را بالا برده موجب ترقی و سریع کشاورزی می‌شود و بر روی این اساس صنایع دولتی مستقر و سرمایه خصوصی از توران بازار کنار زده خواهد شد و نیز؛ با گرد آوردن نیرو و وسایل؛ می‌توان صنایع نیرومندی را که پایه اقتصاد سوسیالیسم است بوجود آورد و سپس تعرض قطعی را آغاز کرد تا اینکه بازمانده‌های سرمایه‌داری را در کشور نیست و نابود ساخت" (تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی چاپ توفان صفحه ۴۱۶).

لنین تفاوت میان کمونیسم جنگی و دوران اقتصادی "نپ" را چنین توضیح می‌داد:

"کمونیسم جنگی آزمایشی بود برای اینکه بتوان دژ عناصر سرمایه‌داری شهر و ده را با یورش و هجوم مستقیم تسخیر کرد" و سیاست اقتصادی نوین عقب‌نشینی بوده "تا بتوان موقتا به‌پشت جبهه نزدیکتر شد و از یورش، به محاصره طولانی‌تر... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترك کنند.

توسل به سیاست اقتصادی نوین... این دژ اقدام ورزید تا اینکه پس از جمع‌آوری نیرو از نو تعرض را آغاز نمود." (همانجا) "تصمیم کنگره دهم در باره نپ، اتحاد اقتصادی محکم طبقه کارگر و دهقانان را برای ساختمان سوسیالیسم تامین می کرد." تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی چاپ توفان صفحه ۴۱۸).

"لنین خاطر نشان می‌نمود که مفهوم نپ مبارزه شدید حیاتی و ممتاتی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. مسئله اساسی در این است که "کدام یک پیروز خواهند شد." برای به دست آوردن پیروزی باید بهمپیوستگی طبقه کارگر و دهقان و صنایع سوسیالیستی و اقتصاد روستائی را "لنین خاطر نشان می‌نمود که مفهوم نپ مبارزه شدید حیاتی و ممتاتی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم بوسیله توسعه همه جانبه مبادله جنس در میان شهر و ده تامین نمود." (همانجا ۴۲۲)

"کنگره خاطر نشان کرد که واقعیت را نمی توان فراموش کرد که در کشور، اقتصاد خرده روستائی برتری دارد. کنگره به‌ویژه متذکر شد که ترقی صنایع، از آنجمله صنایع سنگین، باید مخالف با منافع توده‌های دهقانی نباشد، بلکه باید به منافع توده‌های دهقانی و همه اهالی زحمتکش پیوستگی داشته و توسعه و رشد یابد. این تصمیمات، بر ضد تروتسکی متوجه بود که پیشنهاد می‌کرد صنایع به‌وسیله بهره‌کشی از اقتصاد روستائی برپا گردد، زیرا وی در عمل، منکر سیاست اتحاد پرولتاریا و دهقان بود" (همانجا ۴۲۷).

از نظر سیاسی و تطور طبقاتی، طبقه کارگر به سوی اضمحلال می‌رفت و پایه‌های دیکتاتوری پرولتاریا به خطر افتاده بود. دیکتاتوری پرولتاریا در یک کشور خرده-دهقانی معنای دیگری ندارد، جز اینکه پرولتاریا برای جلب و تامین اکثریت، برای اینکه زبان اکثریت جامعه باشد، برای اینکه بتواند اراده اکثریت را بر جامعه تحمیل گرداند و به سوی سوسیالیسم روان گردد، باید با دهقانان غیر کولاک (دهقان سرمایه‌دار در روستا-توفان) اتحاد کند. ولی این اتحاد متلاشی شده بود، زیرا کارگران نمی‌توانستند به دهقانان چیزی دهند که وضعیت نابسامان زندگی آنها

را بهبود بخشیده و اعتماد آنها را به سرکردگی پرولتاریا تامین کنند. به این جهت نه تنها این اتحاد شکستی شده بود، بلکه نقش رهبری پرولتاریا در این اتحاد که شرط تعیین ماهیت دیکتاتوری پرولتاریاست نیز به‌زیر پرسش می‌رفت. لنین در این زمینه نوشت:

"۶- برقراری مناسبات متقابل صحیح اقتصادی بین پرولتاریا و دهقانان اتحاد بین دهقانان خرده‌پا و پرولتاریا از نقطه نظر سوسیالیستی فقط در صورتی می‌تواند کاملاً صحیح و استوار باشد، که حمل و نقل و صنایع بزرگ کاملاً احیاء شده، به پرولتاریا اجازه دهد، در عوض دریافت خواربار از دهقانان، کلیه محصولات را که مورد نیاز آنهاست و برای بهبود اقتصاد آنان ضرورت دارد در اختیار آنان بگذارد. با وجود ویرانی عظیم کشور، حصول فوری این مقصود بهیچوجه ممکن نبود و سیستم ضبط مازاد برای کشوری دارای تشکل غیرکافی؛ عملی‌ترین اقدام بود برای آنکه بتوان در جنگ بینهایت دشوار ضد ملاکین ایستادگی نمود. خشکسالی و بی‌علیقی سال ۱۹۲۰ احتیاج دهقانان را، که بدون آنهم شدید بود بسیار شدت داد و انتقال بیدرنگ به مالیات جنسی را بی‌چون و چرا ضروری ساخت.

مالیات جنسی معتدل فوراً موجب بهبود فراوان وضع دهقانان می‌گردد و در عین حال آنها را با توسعه کشتزارها و بهبود زراعت علاقمند میسازد.

مالیات جنسی انتقالیست از ضبط کلیه مازاد غله دهقانان به شیوه سوسیالیستی صحیح مبادله محصول بین صنایع و زراعت." (منتخبات لنین به فارسی جلد دو قسمت دوم صفحه ۶۹۳).

و در ادامه آن آورد:

"۸- موفقیت‌های سیاست ما در رشته خواربار... دولت کارگری فقط در صورت داشتن یک ذخیره واقعی کافی خواربار قادر خواهد بود از لحاظ اقتصادی روی پای خود استوار بایستد و احیای صنایع بزرگ را، گرچه به آهستگی ولی بلاانحراف، تامین نماید و یک سیستم مالی صحیح بوجود آورد." (لنین فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحه ۶۹۵)

در این دوره به علی که برشمرده شد حزب بلشویک نیاز به یک عقب‌نشینی داشت. ولی

منظور از عقب‌نشینی و اتخاذ این تاکتیک به این مفهوم نبود که باید استراتژی و هدف سوسیالیسم را از یاد برد و به سرمایه‌داری تسلیم شد. این مبارزه طبقاتی مانند همان جنگ است. در جنگ نیز شما شاید مجبور شوید زیر آتش سنگین دشمن عقب نشسته و با ارزیابی جدید، تاکتیک جدید اتخاذ کنید، نیروی بیشتری گرد آورید، تسلیحات خود را بهبود بخشید و به مانورهای جدید دست زنید و همه این فعالیتها در خدمت آن است که به تهاجم قدرتمندتر برای نابودی دشمن طبقاتی بپردازید. این عقب نشینی برای خیز برداشتن است. عقب نشینی بلشویکها عقب‌نشینی در مقابل نظام سرمایه‌داری نبود، عقب نشینی برای کسب تنفس بود، تا بتوانند بهتر سرمایه‌داری را درهم بکوبند. ماهیت این عقب‌نشینی سازشکارانه نبود مبارزه‌جویانه بود.

ادامه دارد...

به توفان در تلگرام خوش آمدید



بابت دریافت کمک به سیل‌زدگان سپاسگزاریم
سیل‌زدگان در طی تماسی از مقدار کمکه‌های مالی و سرعت در جمع‌آوری و ارسال آن به بخشهای نیازمند سپاسگزاری کردند و ما خود را موظف می‌دانیم که این ابراز امتنان را به باری‌دهندگان آنها منتقل کنیم. ارسال کمکه‌ها از طریق بنیاد مهپاره.
۲۵۰ یورو از هلند
۱۰۰ یورو از برلن
۵۰ یورو از برلن
۲۰۰ یورو از برلن
فهرست دیگری در توفان الکترونیکی منتشر شده است.

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۵۵ خرداد ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezvkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

توسل به سیاست اقتصادی نوین ("نپ") در شوروی

سوسیالیستی، برای توجیه نظام سرمایه داری در چین (۱)

کمونیسم جنگی؛ کمونیسمی بود که در زمان جنگ جهانی اول و مبارزه با ضد انقلاب گارد سفید در شوروی برقرار بود. دولت شوروی در این دوران برای تامین مخارج جنگ داخلی و خارجی نیاز به این داشت که مازاد محصول دهقانان را از آنها اخذ نماید و برای مصارف جاری به مصرف برساند. هر چه دهقانان تولید می‌کردند، بجز بخشی که خود برای سد جوع احتیاج داشتند از آنها اخذ می‌شد. این وضعیت تا زمانیکه جنگ جهانی اول و سپس جنگ داخلی در مجموع به مدت ۷ سال ادامه داشت و دهقانان از بازگشت مالکان و بازگشت به وضع سابق هراس داشتند، به عنوان یک رویه معقول؛ حتی برای خود دهقانان قابل پذیرش بود. کمونیستها حتی در این زمینه به زیاده‌روی پرداختند و موجبات نارضایتی دهقانان را فراهم آوردند. لنین می‌گفت که ما در این تعرض زیاد به جلو رفته‌ایم و حال برای آنکه از پشت جبهه منزوی نشویم باید به عقب‌نشینی تن در دهیم تا خود را برای تهاجم بعدی آماده کنیم. ولی با تغییر شرایط بعد از سرکوب آشکار ضد انقلاب باید در روش کمونیستها متناسب با شرایط روز تغییر بوجود می‌آمد. در این دوره به جای دریافت مازاد تولید از دهقانان؛ سیاست مالیات جنسی بر تولیدات کشاورزی حاکم شد. دهقانان، تولید اضافی خویش را حفظ کرده ولی بابت آن مالیات می‌پرداختند. مالیات جنسی کمتر از میزانی بود که از مازاد تولید دهقانان اخذ می‌گردید. دهقانان مجاز بودند بعد از پرداخت مالیات؛ مازاد تولید خویش را در بازار فروخته به داد و ستد مشغول شوند تا وضعیت اقتصادی آنها و در نتیجه وضعیت شهرها و داد و ستد میان شهر و ده افزایش و بهبود یابد. بدون بهبود وضعیت دهقانان امکان نداشت محصولات صنعتی را در کشاورزی به کار گرفت. پیامدهای این سیاست طبیعتاً رونق سرمایه‌داری در شوروی بود. زیرا آزادی بازرگانی تا اندازه‌ای موجب رونق سرمایه‌داری می‌شود. برای اینکه تبادل کالا بین شهر و ده صورت پذیرد باید به صاحبان صنایع خصوصی اجازه داده شود که بنگاههای کوچکی تاسیس کرده و در بازار به داد و ستد بپردازند. (قدرت گیری و فربه شدن بورژوازی)

برای اینکه درک کرد به چه مناسبت کمونیستها در یک کشور مملو از خرده‌دهقانی با سرمایه‌داری عقب‌مانده به اتخاذ چنین سیاستی (سیاست اقتصادی نوین نپ) متوسل شدند، باید وضعیت آن دوران را از نظر گذرانید.

در آن زمان بنیه و توان کشور شوروی تحلیل رفته و اقتصاد به ورشکستگی دچار شده بود. به علت سقوط تولیدات کشاورزی غله به شهرها نمی‌رسید و قحطی و گرسنگی در همه جا خود را نشان می‌داد. کارگران و بطور کلی شهرها به علت کاهش تولید، فقدان سوخت و وسایل حمل و نقل از لحاظ نان و مواد کشاورزی در مضیقه بودند. کارگران گرسنه، کارخانه‌ها را ترک کرده و برای سدجوع به روستا هجوم می‌آوردند. کارخانه‌های بسیاری تعطیل شده و در آن موسسات تولیدی نیز که هنوز کار می‌کردند تولیدات در سطح نازلی قرار داشت، نان نبود، لباس نبود، کفش نبود، نمک نبود؛ نفت نبود. دولت سوسیالیستی نمی‌توانست در مقابل غله‌ای که از دهقانان دریافت می‌کرد به آنها کالاهای صنعتی بدهد. داد و ستد میان شهر و روستا مختل شده بود. دهقانان و کارگران از نیازهای اولیه زندگی محروم بودند.

لنین "به مناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر" نوشت:

"ما حساب می‌کردیم و شاید هم بهتر است بگوئیم بدون آنکه به اندازه کافی حساب کنیم فرض می‌کردیم که با اوامر مستقیم دولت پرولتری تولید دولتی و توزیع... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 231 Jun. 2019

ناقضان تعهدات بین‌المللی، بی‌شرمانه طلب‌کارند

ایران یک سال بعد از خروج آمریکا از "برنامه جامع اقدام مشترک" (برجام) خطاب به اروپایی‌ها که ایران را سر می‌دوانند و به تعهدات خود عمل نمی‌کنند، اخطار کرد که به آنها دو ماه مهلت می‌دهد تا به تعهدات خویش عمل کنند وگرنه ایران نیز در قرارداد "برجام" تجدید نظر نموده و خود را متعهد به اجرای آن نکاتی که داوطلبانه پذیرفته بوده است، نمی‌داند. از این گذشته آقای عراقچی معاون وزیر امور خارجه ایران ابراز داشت که حتی خروج از "برجام" نیز در دستور کار ما قرار دارد.

از همان روز نخست روشن بود که نه آمریکا و نه اروپا پشتیبانی ارزش برای تعهدات خود قابل نیستند. این امر جدیدی نیست. نقض تعهدات بین‌المللی توسط این کشورها اظهر من الشمس است. آلمان علیرغم اینکه در دوران ضعف‌اش مرزهای یوگسلاوی را در قرارداد همکاری و امنیت اروپا "به رسمیت" ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صریح، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

حساب بانکی

Toufan

Postbank Hamburg

BLZ: 20110022

KontoNr.: 2573372600

Germany

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات

Toufan

Postfach 11 38

64526 Mörfelden-Walldorf

Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند